

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۱۹

(صص ۷۴-۴۲)

تحلیل و دسته‌بندی بن‌مایه‌های نفرین و دعا در

فرهنگ و ادب عامه تالشی شمالی

افشین خان‌بابازاده*، مهناز نظامی عنبران**

چکیده

نفرین‌ها و دعا‌های مردم هر سرزمینی نمادی از آداب و روحیات اجتماعی و درگیری زشتی‌ها و زیبایی‌های زندگی آن مردم در گذر زمان هستند. بررسی نفرین‌ها و دعا‌های موجود در هریک از گویش‌های ایرانی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا با بررسی این گونه‌ها می‌توان به فرهنگ و ساختارهای جامعه مورد پژوهش پی برد و به درک بهتری از جامعه و روابط میان افراد آن جامعه رسید. در این پژوهش نفرین‌ها و دعا‌های عامه زبان تالشی شمالی به صورت میدانی جمع‌آوری شدند و معلوم شد که گویشوران تالشی، اگر در شرایطی چون ظلم و ستم و کارهای دور از انتظار قرار گیرند، لب به نفرین می‌کشند؛ و اگر در شرایط ابراز محبت یا پاسخ به اعمال نیک دیگران باشند، آنگاه احساسات خود را با جملات دعایی نشان می‌دهند. براین اساس، نفرین‌ها در مضمون‌هایی چون: درخواست مرگ، درخواست بیماری، درخواست کاهش رزق و روزی، و درخواست عاقبت بد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. دعاها نیز در موقعیت‌های خاص خود چون: دعای موقع سفر، کار، عیادت، اموات، تسلیت و تشکر و قدرشناسی، تقسیم‌بندی شدند. در پایان هر بخش، نمونه نفرین‌ها یا دعا‌های مربوطه به همراه آوانویسی و ترجمه آنها در جداول مجزایی آورده شده است.

واژه‌های کلیدی: نفرین، دعا، زبان تالشی شمالی، مضمون، ادبیات شفاهی، گویش‌ها

* کارشناسی ارشد زبان‌های باستانی ایران، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجه، دانشگاه تبریز

khanbabazadhafshin@yahoo.com

** دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز

mahnaznezami10@yahoo.com

۱. مقدمه

ادبیات شفاهی بزرگ‌ترین سرمایه و نشانه پایداری و ماندگاری اقوام است. این سرمایه که متأسفانه منبعی جز سالخوردگان اقوام ندارد، هر آن در خطر فراموشی است؛ تا زمان و فرصت در دست داریم باید به جمع‌آوری آنها پردازیم. در ارزش و اهمیت جمع‌آوری آن همین بس که انجوی شیرازی نوشته: «ارزش جهانی فرهنگ بدان سبب است که دانش عوام هر ملتی آینه ذوق و هنر و معرف خلق و خوی آن ملت و وسیله خوبی در راه شناختن خصوصیات آن قوم و جماعت است و چون اغلب با فولکلور ملل دیگر رابطه تاریخی، فلسفی و مذهبی دارد، می‌تواند سفیر حسن نیت و پیام‌آور دوستی یک ملت نزد سایر ملل جهان باشد؛ و در سرزمین پهناوری چون ایران شهرها و روستاهایش در شرق و غرب و شمال و جنوب کشور، پراکنده و دور از هم‌اند و مردم هر نقطه، لهجه خاص و فرهنگ عوامانه مخصوص به خود دارند. چون وقتی فولکلور هر منطقه یا هر طایفه را جداگانه بررسی و مطالعه کنیم، می‌بینیم که با وجود اختلافات ظاهری، ریشه و پایه و منشأ و منبع همه آنها یکی است و دلیل قاطع بر پیوندها و پیوستگی‌های مردم این مرز و بوم است» (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۰). برای بررسی گذشته اقوامی که هیچ آثار مکتوبی از خود به‌جای نگذاشته‌اند، بررسی دعاها و نفرین‌ها، باورها و اعتقادات، اسطوره و خرافات، داستان‌ها و افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و کنایات، بازی‌ها و ترانه‌ها، دشنام‌ها و سوگندها، از ضروریات می‌باشد؛ زیرا با بررسی آنها سیر تحول زبان و تاریخ اجتماعی و فرهنگی جوامع مشخص می‌شود و «باید گفت که تحقیق درباره اعتقادات عوام، نه تنها از لحاظ علمی و روانشناسی قابل توجه است، بلکه برخی از نکات تاریک فلسفی و تاریخی را برای ما روشن خواهد کرد. همچنین ما هرگز نخواهیم توانست پیشرفت‌های امروزی را ارج بنهیم و قدر بشناسیم، مگر اینکه از گذشته‌مان آگاه باشیم و بدانیم دیروز چه بوده و امروز چه هستیم. تا

زمانی که افکار و اوهامی که همه با نام خرافات می‌شناسند جداگانه تدوین نشود، بیگانگان این عقاید سخیف را جزو عادات ملی ما می‌شمارند؛ حال آنکه تدوین آن به نام عقاید منسوخه، قدمت و بی‌اهمیتی آن را می‌رساند» (هدایت، ۱۳۷۸: ۲۱). بنابر آنچه آمد، نفرین‌ها و دعاها یکی از مهمترین گونه‌هایی هستند که نیازمند بررسی و تحلیل می‌باشند. تاکنون در هیچ تحقیقی به‌طور جداگانه به نفرین‌ها و دعاها و موجود در تالشی شمالی پرداخته نشده است. این پژوهش دارای ویژگی و نوآوری خاص منطقه‌ای می‌باشد و می‌تواند بخشی عظیمی از فرهنگ و ادب این زبان را به نسل‌های آینده منتقل کند، چون با از بین رفتن تدریجی گویش‌ها، قسمت اعظمی از میراث فرهنگی و زبانی ایران‌زمین در معرض نابودی قرار می‌گیرد، بنابراین در راستای پاسداری از این میراث کهن ضرورت دارد که ادبیات شفاهی موجود در گویش‌ها، ازجمله گویش‌های زبان تالشی، به‌صورت میدانی جمع‌آوری شود، چون «گویش‌شناسی در دو مرحله قابل اجرا خواهد بود: مرحله اول ثبت و ضبط و تهیه پیکره زبانی با روشی است که بتوان برای همیشه و با تمام رویکردهای حال و آینده روی آن پیکره تحقیق انجام داد؛ مرحله دوم که تحقیق روی پیکره زبانی است، تفاوت چندان با تحقیق روی یک زبان نخواهد داشت ... بعد از جمع‌آوری داده‌ها و تهیه پیکره، به‌راحتی می‌توان با رویکردهای مختلف آنها را بررسی کرد. با قبول این فرض، اولین قدم گویش‌شناسی ثبت و ضبط داده‌های گویشی است» (سبزه‌علیپور، ۱۳۹۵: ۱۵). پیش از ورود به بحث اصلی، ضرورت دارد اول به معرفی سرزمین تالش و زبان تالشی و بعد به پیشینه و روش تحقیق بپردازیم.

۱.۱. سرزمین تالش و زبان تالشی

سرزمینی که تالشان در آن زندگی می‌کنند منطقه وسیعی است «در جنوب غربی دریای کاسپین که چنانچه نواری باریک از رود کورا، در جمهوری آذربایجان تا تنگه سپیدرود، در

جنوب استان گیلان گسترده است. خط‌الرأس رشته‌کوه تالش در امتداد شمال غربی البرز، با طول ۳۰۰ کیلومتر، چون سدّی این منطقه را در غرب، از استان‌های اردبیل و زنجان جدا می‌کند» (رضایتی گیشه‌خاله، ۱۳۹۶: ۱۳). همچنین رهنمایی درباره‌ی این منطقه آورده: «محدوده‌ی جغرافیایی قومی تالشان به مراتب از محدوده‌ی جغرافیای سیاسی، یعنی واحدهای سیاسی و اداری که در قالب آن اداره می‌شود، وسیع‌تر است. نواحی شمالی با مرکزیت لنکران و شهرهای لریک، سالیان، یاردملی، ماساللی، جلیل‌آباد و آستارای آن‌سوی مرز، به‌دنبال جنگ‌های ایران و روس در نیمه‌ی قرن نوزدهم میلادی، به‌عنوان غرامت جنگی به روس‌ها بهایی بود که تالشان برای بقای حکومت قاجار پرداختند» (رهنمایی، ۱۳۸۰: ۹). در کشور ایران، سرزمین تالشان در تقسیمات سیاسی جزء استان‌های گیلان و اردبیل می‌باشد. مردم این سرزمین چه در کشور آذربایجان و چه در کشور ایران به زبان تالشی سخن می‌گویند که «در طبقه‌بندی زبان‌ها، تالشی را از زبان‌های ایرانی گروه شمال غربی می‌دانند. زبان تالشی را می‌توان در سه گروه شمالی، مرکزی، و جنوبی جای داد. تالشی شمالی، تالشی آن‌سوی آرّس، یعنی تالشی جمهوری آذربایجان است و ادامه‌ی آن در ایران تا گرگان‌رود تالش پیش رفته؛ تالشی مرکزی در گستره‌ی نوار طولی ناورود در شمال و شفارود در جنوب رواج دارد؛ و تالشی جنوبی میان شفارود در شمال، و سفیدرود در جنوب متداول است. به‌طور کلی از تالشی شمالی، لهجه‌های آستارایی، ویزنه‌ای، عنبرانی، چوبری، جوکندانی و ...؛ از تالشی مرکزی، گونه‌های ناوی، اسالمی، پره‌سری، اردجانی و ...؛ از تالشی جنوبی، لهجه‌های خوشابری، شاندرمنی، ماسالی، ماسوله‌ای، شفتی و ... را می‌توان نام برد» (رضایتی گیشه‌خاله، ۱۳۹۶: ۱۳). در این پژوهش از شاخه‌ی شمالی تالشی، گونه‌ی عنبرانی مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲.۱. پیشینه تحقیق

مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مورد بحث این مقاله به‌قرار زیر است:
- صبحی خامنه در پایان‌نامه بررسی کنش‌های گفتاری دعا و نفرین در زبان فارسی (۱۳۸۹)، دعا و نفرین را از لحاظ نحوی، صرفی، آوایی و معنایی مورد بررسی قرار داده است.

- مقاله «آفرین و نافرین در فرهنگ مردم بختیاری» اثر عباس قنبری عدیوی، منتشرشده در مجله فرهنگ ایران (۱۳۸۶) به‌صورت میدانی و با رویکرد مردم‌شناسی به انجام رسیده است.

- مقاله «بازتاب درونمایه دعا و نفرین در دوبیتی‌های عامیانه مازندران» اثر ویدا ساروی، منتشرشده در نشریه پژوهش‌های ادبی و بلاغی (۱۳۹۸)، به بررسی مبحث دعا و نفرین در دوبیتی‌های عامیانه پرداخته، و در نهایت به این نتیجه رسیده که دعاها بیشتر زبان حال عشاق است و در آن برای معشوق عمر طولانی و خوشبختی آرزو می‌کند؛ اما نفرین بیشتر به یار بی‌وفا و سپس بخت و اقبال عاشق، رقیب عشقی، مادر یار و قوم و خویشان معشوق که مانع وصال بوده‌اند، برمی‌گردد.

- مقاله «آفرین و نفرین در آثار ایرانی باستان و میانه» اثر مهدی دهرامی و مجتبی فهیمی‌پور، منتشر شده در مجله مطالعات ایرانی (۱۳۹۶) نیز به بررسی وجوه دعا و نفرین در آثار پیش از اسلام پرداخته است. از یافته‌های این پژوهش آن است که در اوستا آفرین و نفرین بیشتر در خدمت آموزه‌های دینی (دعای موجودات اهورایی و نفرین موجودات اهریمنی) می‌باشد. در کتیبه‌های هخامنشی، دعا و نفرین جدای از ترغیب به پاس‌داشت کتیبه‌ها و گاه تحذیر، حس وطن‌دوستی پادشاهان را که برای آبادانی کشور بسیار دعا می‌کنند نیز نشان می‌دهد. در دوره میانه نفرین دیده نشد؛ اما دعاها همچنان با مضمون عمر طولانی و آرزوی پیروزی بر دشمن وجود دارند. همچنین دریافته‌اند که دعا و نفرین در کتاب‌های این

دوره بیشتر جنبه ادبی دارند.

- مقاله «بررسی تطبیقی درون‌مایه نفرین در دوبیتی‌های محلی خراسان و مازندران» اثر ماحوزی، طاووسی و ساروی (۱۳۹۶) در مجله ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، علل نفرین و افرادی که نفرین شده‌اند را بررسی کرده است.

- مقاله «بررسی، تحلیل و دسته‌بندی بن‌مایه‌های دعا و نفرین در فرهنگ و ادب عامه کله‌ری» اثر مهدی احمدی‌خواه و علیرضا شوهانی، چاپ شده در پژوهشنامه ادبیات کردی (۱۴۰۱)، پس از مصاحبه با گویشوران و ثبت داده‌ها، آنها را در سه بخش: دعاها و نفرین‌های با درون‌مایه دینی، دعاها و نفرین‌های با درون‌مایه تاریخی و دعاها و نفرین‌های با درون‌مایه اجتماعی تفکیک نموده است.

اما در مجموع می‌توان گفت که هیچ پژوهش مستقل و قابل توجهی در زمینه نفرین‌ها و دعا‌های زبان تالشی شمالی انجام نشده است.

۳.۱. روش تحقیق

در پژوهش حاضر ابتدا نمونه‌هایی از دعاها و نفرین‌های تالشی شمالی به صورت میدانی در گفتگو با گویشوران زبان تالشی شمالی جمع‌آوری گردید. نفرین‌ها در دسته‌های جداگانه‌ای با مضمون‌هایی چون: درخواست مرگ، درخواست ناتوانی و بیماری، درخواست کاهش و قطع رزق و روزی، و درخواست بدبختی و روزهای بد از خداوند برای نفرین‌شونده، قرار گرفتند و هر یک از آنها به دقت بررسی و آوانگاری شد تا از صورت درست واژگان پاسداری شود. به دنبال آن، معنای تحت لفظی هر کدام نیز نوشته شد. در ادامه، دعاها در موقعیت‌های خاص خود، چون: موقع سفر، هنگام کار، هنگام عیادت، موقع تسلیت گفتن، دعا برای خویشان، دعا برای عاقبت‌به‌خیری، دعا برای درخواست رزق و روزی، دعا برای سلامت و طلب عمر، دعا برای قدرشناسی و دعا برای اموات مورد بررسی قرار گرفت.

۱.۴. مبانی نظری

۱.۴.۱. **نفرین:** نفرین «به‌معنای دعای بد برای مرگ، ناکامی و بدبختی کسی یا چیزی می‌باشد» (انوری، ۱۳۸۲: ۷۸۸۸). به عبارت دیگر، نفرین به‌معنای دعا بر ضد و به ضرر کسی است (دریایی، ۱۳۸۳: ۴۹). نفرین در بین اقوام، ریشه در اعتقادات و باورهای آنان دارد. «عقاید و باورهای انسان‌ها، درست و نادرست، علمی و خرافه، تازه و کهنه، تلخ یا شیرین، خنده‌دار یا ملال‌انگیز، همه و همه ریشه در فرهنگ چندهزارساله یک تمدن دارد که به‌مرور زمان یا به‌همان‌شیوه نخست باقی مانده یا دستخوش تغییراتی شده است. درهرحال برای برقراری ارتباط با افراد هر جامعه (چه عالم، چه بی‌سواد) ناگزیر از رسوخ به لایه‌های فرهنگی، روش خاص زندگی، عقاید، نمادها و اساطیر آن جامعه هستیم» (عسگرنژاد، ۱۳۴۸: ۳۰۹). «نفرین، واکنشی خشم‌آلوده است که بیش از هر چیز از عجز و بیچارگی حکایت می‌کند» (ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۳۸۹).

۲.۴.۱. **دعا:** دعا در لغت به‌معنی دعوت کردن، طلبیدن و خواهش کردن، تقاضا و درخواست است (سیاح، ۱۳۶۴: ۴۶۳). «دعا طلب خیر و نیکی و سلامت برای کسی است. دعاها اغلب برخاسته از اعتقادات دینی مردم است» (ذوالفقاری، ۱۴۰۱: ۳۹۴). دعا در بین تمام اقوامی که از دوران باستان تا حال در این کره خاکی زندگی کرده‌اند و می‌کنند رواج داشته و تمام کتاب‌های ادیان بدان اشاره داشته‌اند: «پیش از همه چیز خواستارم ای اشا که و هومن و روان آفرینش را از خود خوشنود سازم. ... ای مزدا اهورا به‌واسطه راستی، شکوه هر دو جهان به من ارزانی دارید از آن شکوه مادی و معنوی که دینداران را خرمی و شادمانی بخشد» (پورداود، ۱۳۷۷: ۵). در قرآن در آیه ۷۷ سوره فرقان آمده: «قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ۖ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا»؛ بگو که اگر دعای شما (و ناله و زاری و توبه شما) نبود خدا به شما چه توجه و اعتنایی داشت؟ که شما کافران (آیات حق را) تکذیب کردید و به کیفر همیشگی آن گرفتار خواهید شد. این نشان‌دهنده آن است که دعا مختص انسان‌ها است، نه ادیان خاص؛ چون «دعا طلب کردن حاجت است از حضرت باری تعالی به تضرع و اخلاص» (ثروتیان، ۱۳۸۰: ۱۲۸).

۲. بررسی و تحلیل داده‌ها

۱. نفرین‌ها در ادبیات شفاهی تالشی دارای مضمون‌های متعددی می‌باشند، ازجمله: درخواست مرگ، درخواست ناتوانی و بیماری، درخواست کاهش و قطع رزق-وروزی، و درخواست بدبختی و روزهای بد از خداوند برای نفرین شونده. برخی از نفرین‌ها که در زبان مردم تالش جریان دارد، پدر و مادر در حق فرزند، فرزند در حق والدین، برادر و خواهر، و در کل عامه نسبت به هم روا می‌دارند.
۲. توده مردم تالش برای موقعیت‌های خود دعا‌های خاصی دارند: موقع سفر، هنگام کار، هنگام عیادت، موقع تسلیت‌گفتن، دعا برای خویشان، دعا برای عاقبت‌به‌خیری، دعا برای درخواست رزق‌وروزی، دعا برای سلامت و طلب عمر، دعا برای تشکر و قدرشناسی و دعا برای اموات.

۱،۱،۲. نفرین با مضمون درخواست مرگ

وقتی که انسان راه حلی پیدا نمی‌کند تا از سختی‌ها، گرفتاری‌ها و آسیب و اذیت‌هایی که از طرف افراد خانواده و یا دیگری متحمل شده رهایی یابد، با نهایت خشم و بیچارگی، از خداوند درخواست مرگ برای طرف مقابل می‌کند. بررسی این‌گونه نفرین‌ها ما را به شناخت بیشتر زندگی اجتماعی گویندگان آن در طول تاریخ نزدیک می‌کند. مضمون مرگ یکی از پربسامدترین نفرین‌ها است که شامل مفاهیمی چون: تکه‌تکه‌شدن، نابودشدن، بیدارنشدن بعد از خواب، درنیامدن نفس، زیر خاک شدن، پوچ‌شدن، حناندیدن دست (مردن قبل از عروسی)، کفن‌کردن، خاک‌کردن، مردن توسط رعدوبرق، مرگ ناگهانی و مواردی از این قبیل است، یکی از دلایل فراوانی نفرین مرگ فرهنگ جامعه تالشان است که ریشه در فرهنگ ایرانی پیش و پس از اسلام دارد. «دعا و نفرین از یک سو به‌عنوان

یکی از موضوعات دینی است و از سوی دیگر از بن‌مایه‌های فرهنگی جامعه و از موضوعات و مضامین پربسامد در آثار فارسی پیش از اسلام است؛ تاجایی که در نخستین آثار ایرانی و کتیبه‌های هخامنشی نیز انعکاس یافته‌است» (دهرامی، ۱۳۹۶: ۷۷). به نمونه‌های بیشتری از این مضمون که در ادامه آمده است توجه شود.

مضمون نفرین: درخواست مرگ	آوانویسی	برگردان فارسی
تیکه‌تیکه ببُوش	tika tika bebūš	تکه‌تکه بشوی
بَ شَانگوَ بِنشوش	ba šāngava bənəšūš	تا غروب بمیری
بُشوش هنی اُنْوِگارِ دوش	bešūš hani ūneogārdūš	بروی دیگر برنگردی
بُهتوش هنی پِنبوش	behtūš hani pənəbūš	بخوابی دیگر بیدار نشوی
کا بَنکوش بَگو بُموش	kā bekūš bagav bemūš	به دهن کف بکنی و بمیری
اِشته نَفَسِ بِنشو	əštə nafas bənəšū	نفس در نیا
اِشته جون بُمو	əštə jōn bemū	جان تو بمیرد
دشوش خوکِ ژِیو	dašōš xūkə žiyo	بروی زیر خاک
بُشی، اُوگاردِ نَبو	beši ūgārdə nebō	برو برگشت نداشته باشی
اِشته چوَنه پِباستوم	əštə čōna pəbāstōm	چانه‌ات را پس از جان- دادن ببندم
دشوش ماشینِ ژِیو	dašōš māšinə žiyo	بروی زیر ماشین و کشته شوی

بَ توژِه سورِ بِنشوش	ba tōžā sōr bənəšōš	به سال تازه نرسی
اَوَسور هَشی نئیندوش	avasōrə haši neindōš	خورشید بهار را نبینی
پوچ بَبوش	pūč bebōš	پوچ شوی (هیچ شوی)
إشته نوم بَپه أَشو	əštə nōm bapə ašū	نامت از صفحهٔ روزگار محو شود
إشته نوم بَبو نَشونه نَبو	əštə nōm bebō nešūna nebō	نامت باشد نشانت نباشد
إشته داست خانه نئیندو	əštə dāst xāna neindō	دستت حنا نبیند (قبل ازدواج بمیری)
خندو کوم پئینه بَ سَ بِنشوش	xedō kōm piyana ba sa bənəšūš	از خدا می‌خواهم به ثمر نرسی
آرزو بَ دئل بَماندوش	ārūzo ba del bemāndōš	آرزو به دل بمانی و بمیری
خندو ته پِگتو اَمه روح بَنکه	xedō te pəgatō ama rohat beka	خدا ترا بردارد ما را راحت کند
إشتان آرزو بَ قَو بَبوش	əštān ārezō ba qav bebōš	آرزویت را به گور ببری
اُتش بَنگتوش بَسوتوش	ūtaš begatōš besōtōš	آتش بگیر و بسوزی
تابوته چئوسَ بَنون ته	tābuta čūsa benōn te	تو را روی تابوت بگذارند
إشتان سَ بَهوش	əštān sa bahōš	سرت را بخوری (بمیری).
داستوننده بَموش	dāstūnanda bemōš	در دست‌ها بمیری (مرگ غیر طبیعی)
کفن بَنکوم ته	kafan bekōm te	ترا کفن کنم

ته گسنپی‌آنده بَمو کُوم	te gasnapi anda bamō kōm	ترا در کوه گسنپی دفن کنم
اِشته ماردِه خبه بییون	əšte mārda xaba biyōn	خبر مرگت را بیاورند
آوایی ته بئژنو	āvāiy te bežanū	رعدوبرق به تو بزند
غیبندِه پِگته بئبوش	γaibanda pəgata bebōš	امیدوارم ناگهانی کشته شوی
خون بئشته یخه بئبو	xōn bešte yaxa bebō	خون به گریبان شوی
خوک بئشته سَ بئبو	xūk bešte sa bebō	خاک بر سر تو بشود
ایکَرَنَدِ پَپارچیوش	ikaranda pəpārčiyōš	به‌طور ناگهانی بمیری
غریبی‌انده بئموش	γaribianda bemōš	در غریبی بمیری
اِشته نه‌نه بئشته دُم کون دَسیو	əšte nana bešte dūm kūn dasyō	مادرت به‌دنبالت (جنازه‌ات) خودش را روی زمین بگشَد
سیو پَلَنده بئشته سَه	siyo pələnda bešte sa	روسی سیاه‌رنگ بر سر تو (عزادار شوی)
اِشته دئلی پیه گِلان بئمون	əšta delə piya gelān bemōn	دل بخواهی‌های شما بمیرند

۲،۱،۲. نفرین با مضمون درخواست ناتوانی و بیماری:

گاهی نفرین‌کننده قصدش فقط بیمارشدن نفرین‌شونده است و او را سزاوار مردن نمی‌داند و در نفرین خود از کلماتی که خشم کمتری را نشان می‌دهند استفاده می‌کند. این مضمون

نیز مانند مضمون مرگ که قبلاً آمد، از فراوانی بیشتری برخوردار است و از مفاهیمی چون: کرم‌زدن، زخم‌برداشتن، شکستن کمر، آمدن شیر مادر از دماغ، رفتن زیاد به دکتر، بیماری وبا، فلج‌شدن، کورشدن، بادکردن، گرفتن امراض ریوی، نیش مار، لال‌شدن، استفراغ خون، دیوانه‌شدن، بیماری سل و سرطان و مواردی از این قبیل است. یکی از دلایل فراوانی نفرین درخواست بیماری، شاید ناشی از رواج داشتن این بیماری‌ها در جوامع قدیم است.

مضمون نفرین: درخواست ناتوانی و بیماری	آوانویسی	برگردان فارسی
کِئِم دقاندوش	kəm daqāndōš	کرم بزنی
خئدو بشته جونه هزو گئله یاره بئژنو	xedō bašte jōnə hazō gelə yāra bežanō	خدا به جانت هزار زخم بیندازد
گدوآ تومه آواشتوش بَ دوش	gadōa tūma avāštōš ba dōš	کیسه‌گذاری به دوش بگیری
إشته مئینه بارشیو	əšte meika bāršiyō	کمرت بشکند
إشته ننه شئت إشته وئنیو بوا	əšte nana šet əšte veniyo bōa	شیر مادرت از دماغ بیاید
بئشته سَ بئگئنو	bešte sa begenō	به سرت بخورد
دکتورَ رو بئکوش	doktōra rū bekōš	همیشه در راه دکتر رفتن باشید
وؤ بئگئوش	vavō begatōš	وبا بگیری

خدا تورا فلج کند	xedō te falaj kō	خځدو ته فلج کو
چشمه بترکد	əšte čaš betāpo	اښته چښ بتاپو
چشمه کور شود	əšte čaš kō bebō	اښته چښ کو بښو
مرض گلویت را بگیرد	maraz əšte xerta begtō	مرض اښته خړته بځگتو
ورم کنی	bepāndamōš	بښپاند موش
مار تو را بگزرد	mūr te bežanō	مور ته بژنو
در حسرت روزهای خوش بمانی	xōša rōžə hśadanda bemāndōš	خوشه روزه حسدند بماندوش
ذلیل بشوی	zalil bebōš	ذلیل بښوش
زهر مار بخوری	zahrə mūr bahōš	زهر مور بهوش
سیاه‌سرفه گلویت را بگیرد	siyo tōxa əšte xerta begatō	سییو توخه اښته خړته بځگتو
چلاق شوی	čōlaq bebōš	چولق بښوش
لال شوی	lōl bebōš	لول بښوش
مار زبانت را نیش بزند	mūr əšte zevōnə bežanō	مور اښته زئوونه بژنو
خدا به تو دردی بدهد که درمان نداشته باشد	xedō batə ila dārd beda dāmōneš nebō	خځدو بته ایله دارد بځده دامونښ نښو
خون استفراغ کنی	xūn pəvōš	خون پښوش
دلت خون شود	əšte del xūn bebō	اښته دئل خون بښو
حرفت در دهانت خشک شود	əšte gap əšte gavanda hešk bebō	اښته گپ اښته گونده هشک بښو

شیت بئوش دگئوش بباندون	šit bebōš dagenōš ba bāndūn	دیوانه بشوی و بیفتی به کوه و بیابان
سیل‌اشته خئرت‌ه اگتو	sil əšte xerta agatō	بیماری سل‌گلویت را بگیرد
اشته خئرتنده بئماندو	əšte xertanda bemāndō	در‌گلویت بماند (گیر کند و پایین نرود)
لئنگه بارشیو	lengə bāršiyō	پایت بشکند
اشته جیگه تیکه تیکه بئو	əšte jiga tika tika bebō	جگرت تکه‌تکه شود
یامان بئگتوش	yāmān begatōš	یامان بگیرد
آواره وییوون بئوش	āvāra viyavūn bebōš	آواره و ناچار شوی
اشته چشه آرس اوئر‌خو	əšte čaše ārs ūnəraxō	اشک چشمت تمام نشود (اشک چشمت خشک نشود)
گیرفتار بئوش	gireftār bebōš	گرفتار شوی
چمان نونه نِمک‌اشته چشون بئگتو	čemān nōnə nēmāk əšte čašōn begatō	نان‌ونمک من چشمانت را کور کند
سرطانه بلو دشو بئشته دئل	saratāna balō dašō beštə del	بلای سرطان بیفته به دلت
چمان دئل‌آرشته خدو اشته دئل‌بارئشتو	črmān delə ārštə xedō əštə delə bāreštō	دل من را شکستی خدا دل تو را بشکند

۳،۱،۲. نفرین با مضمون درخواست کاهش رزق و روزی

یکی دیگر از مضامین نفرین درخواست کاهش رزق و روزی برای نفرین‌شونده است، آموزه‌های دینی بیان می‌کنند که رزق و روزی عطا و بخشش دائمی از طرف خداوند یکتا می‌باشد که اگر بنابر دلایلی در این بخشش خداوند خللی ایجاد شود، بندگانش دچار نقصان‌ها و مشکلات زیادی می‌شوند. براین اساس در بین تالشان مانند دیگر اقوام، فراوانی رزق و روزی اساس زندگی خوب و مرفه است؛ برای اینکه نفرین‌شونده دچار کمبود این نعمت شود برایش از خداوند درخواست کاهش رزق و روزی می‌کنند و در نفرین خود از مفاهیمی چون: سنگ‌شدن نان، برداشته‌شدن برکت از خانه، خالی‌شدن دست، کج‌شدن گردن، خالی‌شدن انبان، تمام‌شدن نان، استفاده می‌کنند که در ادامه همراه با معنی آورده می‌شوند.

مضمون نفرین: درخواست کاهش رزق و روزی	آوانویسی	برگردان فارسی
إشته نون سق بئبو	əšte nōn seq bebō	نانت سنگ بشود
إشته کَ برکت پگته بئبو	əšte ka barakat pəgata bebō	برکت از خانه‌ات برداشته شود
داسته تهی بئبو	dāstə tahi bebō	دستت خالی شود
إشته گئی هئزو شات بئبو	əšte geī hežō šāt bebō	گردنت همیشه کج باشد (محتاج بودن)
إشته نون آسبو بئبو ته پیوده	əšte nōn āsbō bebō te piyoda	نانت سوار اسب باشد تو پیاده
إشته نون بَ نونه نئرسو	əšte nōn ba nōnə nerasū	نانت به نان نرسد (همیشه گرسنه باشی)

وئی بئکوش کام بَهوش	veī bekōš kām bahōš	بسیار کارکنی و بهره کمی ببری
اِشته زحمتِ رو برکت نبو	ašte zahmate rō barakat nebō	زحمت تو برکت نداشته باشد
وئی بئکوش نئز و نئوش هارد	veī bekōš nezōnōš hārdə	زیاد کار کنی و نتوانی بخوری
اِشته لوه برکت پگته بئو	ašte lava barakat pəgata bebō	برکت شکمت برداشته شود
اِشته آنبونه تَهی بئو	ašte ānbōna tahi bebō	انبان تو خالی باشد

۴.۱.۲. نفرین با مضمون درخواست عاقبت بد

مضمون درخواست عاقبت بد با مفاهیمی چون: افتادن به دست نامرد، روز بد، نگاه کردن به دست دیگران، از بین رفتن نسل، ندیدن نور خورشید، از بین رفتن روزهای خوش، آرزوی مرگ خود، سیاه شدن بخت، روسیاه شدن، خیرندیدن، پایین نرفتن آب از گلو، باز نشدن بخت، و سوختن مسیر در بین اقوام تالش رایج می‌باشد.

مضمون نفرین: درخواست عاقبت بد	آوانویسی	برگردان فارسی
اِشته یخه دشو ب نامرده داست	ašte yaxa dašō ba nāmardə dāst	یقعات به دست نامرد بیفتد
بد روژ گیرفتار بئوش	bada rūžə girəftār bebōš	به روز بد گرفتار شوی

هئژو بَ جوکسه داسته دداشتوش	hežō ba jōkasə dāstə dadāštōš	همیشه به دست دیگران نگاه کنی (محتاج باشی)
إشته نسل دَوَسییو	əšte nasl davasiyō	نسل تو نابود شود
هشی رو بَحست بَماندوش	haši rō bahasat bemāndūš	در حسرت نور خورشید بمانی
خَدو هام خوشه روژون تَکُو بَستَنو	xedō hām xōša rūžūn tekō bestanō	خداوند روزهای خوش را از تو بگیرد
قزو قدر إشته خرته بَگتو	qazō qadar əštə xerta begatō	به قضاو قدر گرفتار شوی
إشتان مارده آزو بَکوش	əštān mārde āzō bekōš	مرگ خودت را آرزو کنی
سیو باخت بَبوش	siyō bāxt bebōš	سیاه‌بخت شوی
سیو دیم بَبوش	siyō dim bebōš	روسیاه بشوی
إشتان زیندگیو خَی نبوش	əštān zindagiyō xay nebōš	از زندگی‌ات خیر نبری
أو إشته خَرتَئو اَنشو	ūv əštə xertaū anəšō	آب از گلویت پایین نرود
نون بَتلو ته بَتلوش	nōn betelō te betelōš	نان بدود تو بدوی
إشته باخت اَنبُو	əšte bāxt ūnəbō	بخت باز نشود
إشته نابَه‌پشت بسوتو	əšte nābə pəšt besōtō	مسیر جلو و پشت بسوزد (در محاصره آتش باشید)

۱،۲،۲. دعا در موقع سفر

مردم تالش هنگام سفر کسی برای او دعا می‌خوانند؛ چون «دعاکردن برای دیگری بخشی از فرهنگ ایرانی است و کمتر گفتمان خیرخواهانه‌ای را می‌توان یافت که بدون بیان دعا در حق دیگری خاتمه یابد و این موضوع تابع فرهنگ هر جامعه می‌باشد که وفور یا نبود آن بسته به فرهنگ‌های گوناگون متفاوت است» (پیش‌قدم، ۱۳۹۴: ۵۳). با توجه به سختی‌های دوری از خانواده و موانع و گذرگاه‌های صعب‌العبور، و مسدودشدن مسیرها، دعا‌هایی گفته می‌شد که مفهوم درخواست در آنها مواردی از قبیل زیر است: راحت باز باشد، خیر و سلامتی باشد، به خدا می‌سپارمت، خدا دستت را بگیرد، راحت بی‌خطر و برگشتی همراه با شادی داشته باشید.

دعا: هنگام سفر	آوانویسی	برگردان فارسی
بششی، خئدو مکه بته قسمت بئکه	beši xedō maka bate qesmat beka	برو، خدا زیارت مکه را به تو قسمت کند
إشته رو اوژ بئو	əšte rū ūž bebō	راحت باز باشد
بششی، بَ خئدوم دسپاردینه	beši ba xedōm daspārdina	برو، به خدا می‌سپارمت
خَی بَ وه	xai ba va	خیر پیش
سلومتی‌آنده بئرسوش	salōmatianda berasōš	به سلامتی به مقصد بررسی
خئدو إشته همرو	xedō əšte hamro	خدا همراهت
خئدو إشته داسته بئگتو	xedō əšte dāste begatō	خدا دستت بگیرد
خئدو داست بَتنده	xedō dāst batanda	دست خدا با تو
خئدو بته چوکه رو بئدو:	xedō bate čōka rū bedō	خداوند راه خوب نصیب کند

خداى خوبم، مسافران ما با سلامتى برگردند	xōsa xedō čama mosāfərōn salōmatianda ūgārdən	خوصه خئدو چمه مسافرون سلومتى اند آگاردن
خداى خوبم راه مسافران ما بى خطر باشد	xōsa xedō čama mosāfərōn rū bi xatar bebō	خوصه خئدو چمه مسافرون رو بى خطر بئبو:
خداى خوبم مسافران ما خندان برگردند	xōsa xedō čama mosāfərōn serə serə ūgārdən	خوصه خئدو چمه مسافرون سئره سئره اُگاردن
خداى خوبم مسافران ما هرکجا هستند راحت باشند و با خوشى به وطنشان برگردند	xōsa xedō čama mosāfərōn hārbakin rūhat bebōn xōšianda ūgārdən baštān vatan	خوصه خئدو چمه مسافرون هاربکين روحت بئبون، خوشى اند آگاردن بشتان وطن

۲،۲،۲. دعا هنگام کار

دعا به هنگام کار و تلاش می‌تواند گره از مشکلات زیادی باز کند. بزرگان دین سفارش کرده‌اند که وقتی می‌خواهید کار و تلاش روزانه را آغاز کنید و به قول معروف کسب‌وکار را شروع کنید، بهتر است قبل از هرچیز دعا بخوانید تا تلاش و کوشش‌تان ثمر داشته باشد، تالشان نیز به کار و تلاش و کوشش یک نگاه عمیق و جدی دارند و موقع شروع کار و هنگام کار دعاهاى با مفاهيمى چون: کارمان درست شود، به هر چیز دست زним طلا شود، خدا برکت بدهد، زیاد شود، حاصل دست‌رنج‌مان در عروسی خرج شود، را زمزمه می‌کنند.

دعا: هنگام کار	آوانویسی	برگردان فارسی
خئدو بئکه چمه کو دوز بئبو	xedō beka čama kō dōz bebō	خدا کند کار ما درست شود
خئدو کوم پینه بَ هارچی داست بئژنوش قئزل بئبو	xedōkōm piyana ba hārči dāst bežanōš qezel bebō	از خدا می‌خواهم به هرچی دست بزنید طلا شود
خئدو قئوت بئدَ	xedō qevat beda	خداوند قوت بدهد
نوشه جونینده بهوش	nōšə jōniyanda bahōš	مال و روزیات را با نوش بخوری
خئدو برکت بئدَ	xedō barakat beda	خدا برکت بدهد
إشته اُردَ وئی بئبو	əšte ūrda vei bebō	آردت زیاد شود
إشته برکت وئی بئبو	əšte barakat vei bebō	برکت تو زیاد شود
چا گاندم اُردَ وِعیه رو نون بئپاتوش	čā gānnemə ūrda vaya rū nōn bepātōš	از آرد آن گندم برای عروسی نان پیزی

۳،۲،۲. دعا هنگام عیادت

آنکه بیمار می‌شود انتظار دارد تا دوستان و بستگان از او دیدار کرده، احوال او را جویا شوند، چون فرد بیمار از دیدار بستگان و دوستان خویش خرسند می‌شود. از نظر اسلام نیز عیادت از بیمار جزء حقوقی است که برادران و خواهران دینی موظف‌اند نسبت به همدیگر مراعات کنند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «هرکس بیماری را عیادت کند، یک منادی از آسمان او را به اسم می‌خواند: ای فلانی! خوش‌باش! و قدم برداشتنت برای رسیدن به پاداش بهشت گوارایت باد» (کلینی، ۱۳۸۵: ۱۲۱). مردم سرزمین تالش نیز همانند

دیگر اقوام به عیادت فرد بیمار رفته و دعاهایی در مفهوم: شفایافتن، گرفتارنشدن در رختخواب، روشن ماندن چراغ، نداشتن روز بد، همیشه در پیش خانواده بودن، ماندن شادی در خانه، دورشدن مریضی بد از خانه، می‌گویند.

دعا: هنگام عیادت	آوانویسی	برگردان فارسی
خئدو بته شَفو بئده	xedō bate šafō beda	خدا شفایت بدهد
خئدو کوم پینه بَ وئره ننگنوش	xedōkōm piyana ba vera negenōš	از خدا می‌خواهم گرفتار رختخواب نشوی
إشته چو بئوشو	əšte čō bevašō	چراغ تو روشن باشد
خئدو بته بوجه روژ نئدو	xedō bate bəvaja rūž nedō	خدا به تو روز بد ندهد
هئژو إشتان کئنده بئبوش	hežō əštān kaanda bebōš	همیشه در خانه و میان خانواده باشی
شوئی إشته کئو کام نئبو	šōiəšte kaū kām nebō	شادی از خانه‌ات کم نشود
خئدو هام ملدوره مریضی تئکو دویره بئکه	xedō hām meldora marizi tekō dōyarū beka	خدا آن مریضی بد را از تو دور کند

۴.۲.۲. دعا موقع تسلیت گفتن

یکی از آداب و رسوم مهم در تمام فرهنگ‌های جهان، دلداری دادن و تسلیت گفتن به کسی است که عزیزی را از دست داده است. در همه جای دنیا رسم است که وقتی فردی از دنیا

می‌رود، اطرافیان نزد خانواده‌اش می‌روند و با آنها همدردی می‌کنند؛ یا در مراسم خاک‌سپاری و یادبودهای پس از آن شرکت می‌کنند. این مراسم در بین تالشان نیز رایج می‌باشد و دعا‌های با مفاهیمی چون: آخرین غمت باشد، خدا عمر او را به شما اضافه کند، تو سلامت باشی، خدا آن دنیا را به او بدهد، دارند؛ که با گفتن آن خود را در غم فرد مصیبت دیده شریک می‌کنند.

دعا: هنگام تسلیت گفتن	آوانویسی	برگردان فارسی
اُخونه غمه بئو	ūxōna γamə bebō	غم آخرتان باشد
خندو چَوِه عومره بئدَ بته	xedō čave ūmre beda bate	خدا عمر او را به تو بدهد
إشته سَ ساق بئو	ašte sa sāq bebō	سرت سلامت باشد
خندو چَوِه اُدنیو بئدَ	xedō čave adenyō beda	خدا آن دنیا را به او بدهد
بئشتان کَ شویی بئون	beštān ka šōiy bebōn	شادی به خانه‌هایتان ببرید (در جواب کسی که در مجالس عزا تسلیت می‌گویند)

۵،۲،۲. دعا برای اموات

برخی از اعمال مانند دعاکردن و طلب آمرزش برای شخص از دنیا رفته، در دو حال مفید می‌باشد؛ اول اینکه دلداری و دلجویی از بازماندگان است و دوم اینکه باعث می‌شود که از گناهان متوفی کاسته شود. مردم تالش نیز مانند سایر اقوام برای اموات خویش دعا می‌کنند و از خداوند برای درگذشته طلب آمرزش می‌کنند و با مفاهیمی چون: به قبرش نور ببارد،

خدا رحمتش کند، روی قبرش گل بروید، بهشت از آن او باشد، دعا و طلب آمرزش می‌کنند.

دعا: برای اموات	آوانویسی	برگردان فارسی
بَ چَوَه قَو نور بئو	ba čave qav nōr bevōə	به قبرش نور ببارد
خئدو إشته دَدَ رحمت بئکه	xedō əšte dada rahmat beka	خدا پدرت را رحمت کند
چَوَه قَوئسه وئل بئو	čave qavesa vel bəvō	روی قبرش گل بروید
وَهیشت چَوَه بئو	vahišt čave bebō	بهشت برای او باشد

۶.۲.۲. دعا برای تشکر و قدرشناسی

قدرشناسی از بین‌برنده نگرانی، اندوه و یأس است و با خود شادی، شکیبایی، مهربانی، دلسوزی و فهم و آرامش ذهن را به‌همراه می‌آورد. اگر سپاسگزار ارتباط با دیگران باشیم، هرچند گرم و صمیمی نباشیم، روزبه‌روز این نوع ارتباط‌ها قوی‌تر می‌شود. تشکر و قدردانی از انسان‌های شایسته و خدمتگزار، از خصلت‌های خدا و یک ارزش بسیار مهم است. «أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ؛ شکرگزارترین شما در پیشگاه خدا کسی است که از نعمت‌ها و زحمات مردم بیشترین قدردانی و شکرگزاری را به عمل آورد» (کلینی، ۱۳۸۵: ۹۹). قوم تالش نیز با مفاهیمی مانند: دست شما درد نکند، خانه‌ات آباد باشد، خدا آن دنیایت را بدهد، عوض شما را خدا بدهد، از خدا می‌خواهم نانت گرم آبت سرد باشد، چشم‌ت روشن باشد، از انسان‌هایی که کاری انجام داده‌اند تشکر و قدرشناسی می‌کنند.

دعا:	آوانویسی	برگردان فارسی
برای تشکر و قدر شناسی		
داسته نئدیژو	dāstə nedižō	دستت درد نکند
إشته کْ اُونه بئو	əšte ka ūvna bebō	خانه‌ات آباد شود
خئدو إشته اُدئنیو بئد	xedō əšte adeinō beda	خداوند آن دنیا را بدهد (در سپاسگزاری از خدمت بزرگان گفته می‌شود)
خئدو بته عوض بئد	xedō bate avaz beda	خدا عوضت بدهد
خئدو ته خاندی بئکه	xedō te xāndi beka	خدا تو را نگهدارد
خئدو کوم پیینه إشته اُو سارد بئو نون گام	xedōkōm piyana əšte ūv sārd bebō nōn gām	از خدا می‌خواهم آبت سرد نانت گرم باشد
چشه روشن	čašə rūšen	چشمانت روشن

۷,۲,۲. دعا برای سلامت و طلب عمر

دعا برای سلامتی و طول عمر یکی از اساسی‌ترین و پرکاربردترین دعاها در زندگی هر انسان است و با مفاهیمی چون: داغش را نبینی، خدا به شما عمر بدهد، خدا عمرت را زیاد کند، هزار سال عمر کنید، در بین گویشوران زبان تالشی شمالی رواج می‌باشد.

دعا:	آوانویسی	برگردان فارسی
برای سلامت و طلب عمر		
چوه دوغه نئیندوش	čave dōγə neindōš	داغش را نبینی

خداوند بته عومر بئده	xedō bate ūmr beda	خداوند عمرت بدهد
خئدو إشته عومره وئی بئک	xedō əšte ūmre vei beka	خداوند عمرت را زیاد کند
هزو سور عومر بئکوش	hazō sōr ūmr bekōš	هزار سال عمر کنی
خئدو کوم پینه ب وئره نئگنوش	xedō kōm piyana ba vera negenōš	از خدا می‌خواهم گرفتار رختخواب نشوی

۸،۲،۲. دعا برای درخواست رزق و روزی

کسب روزی فراوان یکی از نیازهای طبیعی هر انسانی است، ثروت اگر به روش صحیح استفاده شود می‌تواند خوشبختی دنیوی یک فرد را دوچندان کند و آخرت او را هم آباد کند، براین‌اساس مردمان تالش نیز از این دعا در مفاهیم زیر استفاده می‌کنند: زحمت ما برکت داشته باشد، نان ما به نان برسد، دست‌هایمان خالی نباشند، نان ما زیاد باشد، برکت خانه ما زیاد باشد.

دعا: برای طلب رزق و روزی	آوانویسی	برگردان فارسی
چمه زحمتِ رو برکت بئو	čama zahmate rū barakat bebō	زحمت ما برکت داشته باشد
چمه نون ب نونه بئرسون	čama nōn ba nōnə beresōn	نان ما را به نان برسان
داستئمون تهی نبو	dāstemōn tahy nebō	دست ما خالی نباشد
چمه ک برکت وئی بئو	čama ka barakate vei bebō	برکت خانه ما زیاد بشود

چمه نون وئی بئکه	čama nōnə vei beka	نان ما را زیاد کن
خوصه خئدو امسور چمه کاوشنه برکت بئده	xōsa xedō emsōr čama kāvšanə barakat beda	خدای خوبم امسال به صحرای ما برکت بده
خوصه خئدو حلوله روزی روحتی‌انده بمه بئرسون	xōsa xedō halōla rūzi rūhatianda bama beresōn	خدای خوبم روزی حلال را به آسان‌ترین راه به ما برسان

۹.۲.۲. دعا برای عاقبت‌به‌خیری

در نزد قوم تالش، دعا برای عاقبت‌به‌خیری بهترین دعا در حق خود و دیگران است و مفاهیمی چون: گرفتارنشدن در دست نامرد، محتاج‌نشدن به دیگران، عاقبت‌به‌خیری نسل، ماندگاری روزهای خوش، گرفتارنشدن به قضاوقدر، روسیاه‌نشدن، بازشدن بخت، گلستان-شدن مسیر رفت‌وآمد، را در بر می‌گیرد. در ادامه این مفاهیم در جدول با ذکر معانی و آوانویسی آمده‌اند.

دعا برای عاقبت‌به‌خیری	آوانویسی	برگردان فارسی
إشته یخه بَ نامرده داست دَنئشو	əšte yaxa ba nāmardə dāst danešō	یقه‌ات به‌دست نامرد نیفتد
بدَ روژ گرفتار نئبوش	bada rūžə hireftār nebōš	به روز بد گرفتار نشوی
بَ جوکسه داسته دَنئداشتوش	ba jōkase dāste danedāštōš	به دست دیگران نگاه نکنی (محتاج نباشی)
إشته نسل اُخه بَ خَی بئبو	əšte nasl ūxe ba xai bebō	نسل تو عاقبت‌به‌خیر شود

خداوند روزهای خوش را از تو نگیرد	xedō hām xōša rūžōn tekō nestanō	خئدو هام خوشه روزون تئکو نئستَنو
به قضاوقدر گرفتار نشوی	qazō qadar gireftār nebōš	قزو قدر گیرفتار نئبوش
روسیاه نشوی	siyō dim nebōš	سیو دیم نئبوش
از زندگی‌ات خیر ببری	əštān zindagiyo xai bebōš	اِشتان زیندگیو خَی بئبوش
بخت باز شود	əšte bāxt ūbō	اِشته باخت اُبو
مسیر جلو و پشت گلستان باشد	əšte nābe pəšt gelestōn bebo	اِشته نابِه پِشت گِلستون بئبو

۱۰،۲،۲. دعا برای خویشان

دعای برای خویشان و دوستان با مفاهیمی چون: استواری در صراط مستقیم، درخواست دوری از شرّ شیطان، روشن شدن دل و خانه، کم شدن دشمنان و زیاد شدن دوستان، ناامید- نکردن از درگاه خود، عاقبت به خیری همه، دور کردن از آفت، صبر دادن در سختی‌ها، جبران کردن شکست‌ها، دور کردن مال حرام، و درخواست نعمت از خداوند است.

دعا: برای خویشان	آوانویسی	برگردان فارسی
خوصه خئدو امه دوزِ روانَد خاندی بئکه	xōsa xedō ama dūza rūanda xāndi beka	خدای خوبم ما را در راه راست نگهدار
خوصه خئدو شرّ شیطونه امه کو دویرو بئکه	xōsa xedō šare šaitōnə ama kō dōyarū beka	خدای خوبم شرّ شیطان را از ما دور کن

خداى خوبم دل ما را، خانه ما را روشن نگهدار	xōsa xedō čama delə čama ka rūšen xāndi beka	خوصه خئدو چمه دئل چمه ک روشن خاندی بئکه
خداى خوبم دل ما را از هم دور نکن	xōsa xedō čama delə yadeko dōyarū maka	خوصه خئدو چمه دئله یدئکو دویرو مکّه
خداى خوبم دشمن ما را کم کن دوستان ما را زیاد کن	xōsa xedō čama dešmōne kām beka dōstūn vei beka	خوصه خئدو چمه دشمنونه کام بئکه دوستون وئی بئکه
خداى خوبم ما را از درگاهت ناامید نکن	xōsa xedō ama əštān dargū nomid maka	خوصه خئدو امه اِشتان درگوه نومید مکّه
خداى خوبم همه ما را عاقبت به خیر کن	xōsa xedō ama gerd ūxo ba xay beka	خوصه خئدو امه گئرد اوخو ب خى بئکه
خداى خوبم آفت و بلا را از ما دور کن	xōsa xedō ūfōte balō ama kō dōyarū beka	خوصه خئدو اوفوته، بلو امه کو دویرو بئکه
خداى خوبم در سختی به ما صبر بده	xōsa xedō saxtianda bama sab beda	خوصه خئدو سختی‌انده بمه صَب بئده
خداى خوبم بیماری سخت به ما نده	xōsa xedō saxta noxaši bama mada	خوصه خئدو سخت نوخشی بمه مده
خداى خوبم شکست ما را تو جبران کن	xōsa xedō čama šəkaste te jōbrān beka	خوصه خئدو چمه شکسته ته جوبران بئکه

خداى خوبم حرام را از ما دور كن	xōsa xedō harōmi amako dōyarū beka	خوصه خئدو حرومى امه كو دويرو بئكه
خداى خوبم فكر ما را زندگى ما را هميشه روشن كن	xōsa xedō čama fikə čama zindagi hežō rūšən beka	خوصه خئدو چمه فيكه چمه زيندگى هئژو روشن بئكه

۱۱،۲،۲. دعا هنگام معاملات

معامله، توافق، ارتباط، یا حرکتی است که بین خریدار و فروشنده برای تبادل یک دارایی صورت می‌گیرد. نیز آن را «دادن چیزی به کسی و بهای آن را گرفتن» تعریف کرده‌اند (انوری، ۱۳۸۲: ۷۱۳۳). این دادوستد در بین اقوام تالش نیز رایج بوده و اگر هر دو طرف از انجام معامله راضی باشند، در حق همدیگر دعاهایی با مفاهیمی چون: خیر بینی، خدا برکت بدهد، در شادی استفاده کنید، خدا راضی باشد من راضی هستم، می‌کنند.

دعا: هنگام معاملات	آوانویسی	برگردان فارسی
خَی بئندوش	xai beindōš	خیرش را بینی
خئدو برکت بئده	xedō barakat beda	خدا بده برکت
شویینه ایستفاده بئکوش	šōiyanda īstefāda bekōš	در شادی استفاده کنید
خئدو روضی بئو	xedō rōzi bebō	خدا راضی باشد

۳. نتیجه‌گیری

نفرین‌ها و دعاها یکی از منابع بسیار غنی در شناسایی زندگی اجتماعی و فرهنگی اقوام از گذشته دور تا کنون هستند. نفرین‌ها در بین گویشوران تالشی شمالی از مضمون‌هایی چون: درخواست مرگ، درخواست ناتوانی و بیماری، درخواست کاهش و قطع رزق و روزی، و درخواست بدبختی و روزهای بد از خداوند برای نفرین شونده برخوردارند. مضمون مرگ یکی از پربسامدترین نفرین‌ها است که شامل مفاهیمی چون: تکه‌تکه‌شدن، نابودشدن، بیدارنشدن بعد از خواب، در نیامدن نفس، زیر خاک شدن، پوچ‌شدن، حناندیدن دست، مردن توسط رعد و برق، مرگ ناگهانی و مواردی از این قبیل است و مضمون بیماری از مفاهیمی چون: کرم‌زدن، زخم‌برداشتن، شکستن کمر، آمدن شیر مادر از دماغ، رفتن زیاد به دکتر، بیماری وبا، فلج‌شدن، و مواردی از این قبیل است، و نفرین‌ها در مضمون کاهش رزق و روزی از مفاهیمی چون سنگ‌شدن نان، برداشته‌شدن برکت از خانه، خالی‌شدن دست، کج‌شدن گردن، خالی‌شدن انبان، برخوردار هستند. دعاها نیز در موقعیت‌های خاص خود، چون: موقع سفر، هنگام کار، هنگام عیادت، موقع تسلیت‌گفتن، دعا برای خویشان، دعا برای عاقبت‌به‌خیری، دعا برای درخواست رزق و روزی، دعا برای سلامت و طلب عمر، دعا برای تشکر و قدرشناسی و دعا برای اموات بررسی شدند که مشخص شد درخواست مربوط به سفر، قدردانی و تشکر، طلب عمر از بالاترین میزان اهمیت در بین گویشوران تالش برخوردار هستند. نتایج کلی بدست‌آمده از این تحقیق نشان می‌دهد، گویشوران تالشی اگر در شرایطی چون ظلم و ستم و کارهای دورازانتظار قرارگیرند، لب به نفرین می‌کشایند، و اگر در شرایط ابراز محبت و پاسخ به اعمال نیک دیگران باشند، آنگاه احساسات خود را با جملات دعایی نشان می‌دهند، و دعا برای خویشان نشان‌دهنده وابستگی خانواده و گستردگی نظام خانوادگی در جوامع تالش می‌باشد.

کتابنامه

قرآن کریم.

انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۷۱)، *گذری و نظری در فرهنگ مردم*، تهران: اسپرک.

انوری، حسن (۱۳۸۲)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.

پورداد، ابراهیم (۱۳۷۷)، *گات‌ها*، تهران: اساطیر.

پیش‌قدم، رضا و فاطمه وحیدی‌نیا (۱۳۹۴)، «کاربردهای دعا در فیلم‌های فارسی و انگلیسی

در پرتو الگوی هایمز»، *جستارهای زبانی*، شم ۷: ۵۳-۷۲.

ثروتیان، بهروز (۱۳۸۰)، *فرهنگ اصطلاحات و تعاریفات نفایس‌الفنون*، تهران: فردوس.

دریایی، تورج (۱۳۸۳)، «کتیبه پهلوی سلوک»، *فرهنگ*، شم ۴۹-۵۰: ۴۹.

دهرامی، مهدی و مجتبی فهمی‌پور (۱۳۹۶)، «آفرین و نغزین در آثار ایرانی باستان و میانه»،

مطالعات ایرانی، سال ۱۶، شم ۳۱: ۷۷.

دهرامی، مهدی و محمدرضا عمران‌پور (۱۳۹۲)، «نقد و بررسی عاطفه در اشعار

نیمایوشیج»، *پژوهشنامه ادب غنایی*، سال ۱۱، شم ۲۰: ۶۳.

ذوالفقاری، حسن (۱۴۰۱)، *زبان و ادبیات عامه ایران*، تهران: سمت.

رضایتی کیشه‌خاله، محرم (۱۳۹۷)، *همواج ویژه الفبا و دستور خط تالشی*، رشت: فرهنگ

ایلیا.

رهنمایی، محمدتقی (۱۳۸۰)، «تالش، تالش است»، *تحقیقات تالش*، سال اول، شم ۱: ۹۳-

۹۷.

سبزعلیپور، جهان‌دوست (۱۳۹۵)، *راهنمای گویش‌شناسی*، رشت: فرهنگ ایلیا.

سیاح، احمد (۱۳۶۴)، فرهنگ سیاح، تهران: اسلام.

صباحی خامنه، لیلا (۱۳۸۹)، بررسی کنش‌های گفتاری دعا و نفرین در زبان فارسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دکتر علی شریعتی، گروه زبان‌شناسی.

عسکرنژاد، منیر (۱۳۴۸)، «تحلیل نمادهای ماه در باورهای عامیانه ملل مختلف»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شم ۴۱: ۳۲۴-۳۰۹.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۵)، اصول کافی، مترجم: صادق حسن‌زاده، تهران: انتشارات قائم آل محمد.

هدایت، صادق (۱۳۷۸)، فرهنگ عامیانه ایران، تهران: چشمه.



Analysis and Classification of Curse and Prayer Motifs in Northern Talish Folk Culture and Literature

*Afshin Khanbabazadeh**

*Mahnaz Nezami Anbaran***

Abstract

The curses and prayers of the people of any land are a symbol of the social customs and spirits and the conflict between the ugliness and beauty of the lives of those people over time. The study of the curses and prayers in each of the Iranian dialects is of particular importance, because by studying these types, one can understand the culture and structures of the society under study, and achieve a better understanding of the society and the relationships between the individuals in that society. In this study, common curses and prayers of the Northern Talish language were collected in the field, and it was found that Talish speakers open their mouths to curse if they are in situations such as oppression and unexpected actions, and if they are in situations of expressing love or responding to the good deeds of others, then they show their feelings with prayer sentences. Accordingly, the curses were studied and analyzed in terms such as: requesting death, requesting illness, requesting a decrease in livelihood, and requesting a bad outcome. The prayers were also divided into specific situations, such as prayers during travel, work, visiting, for the dead, condolences, and thanks and gratitude. Examples of each were given, followed by their transcription and translation.

Keywords: Curse, Prayer, Northern Talish Language, Theme, Oral Literature; Dialect

* MA in Ancient Iranian Languages, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Tabriz

** PhD in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz